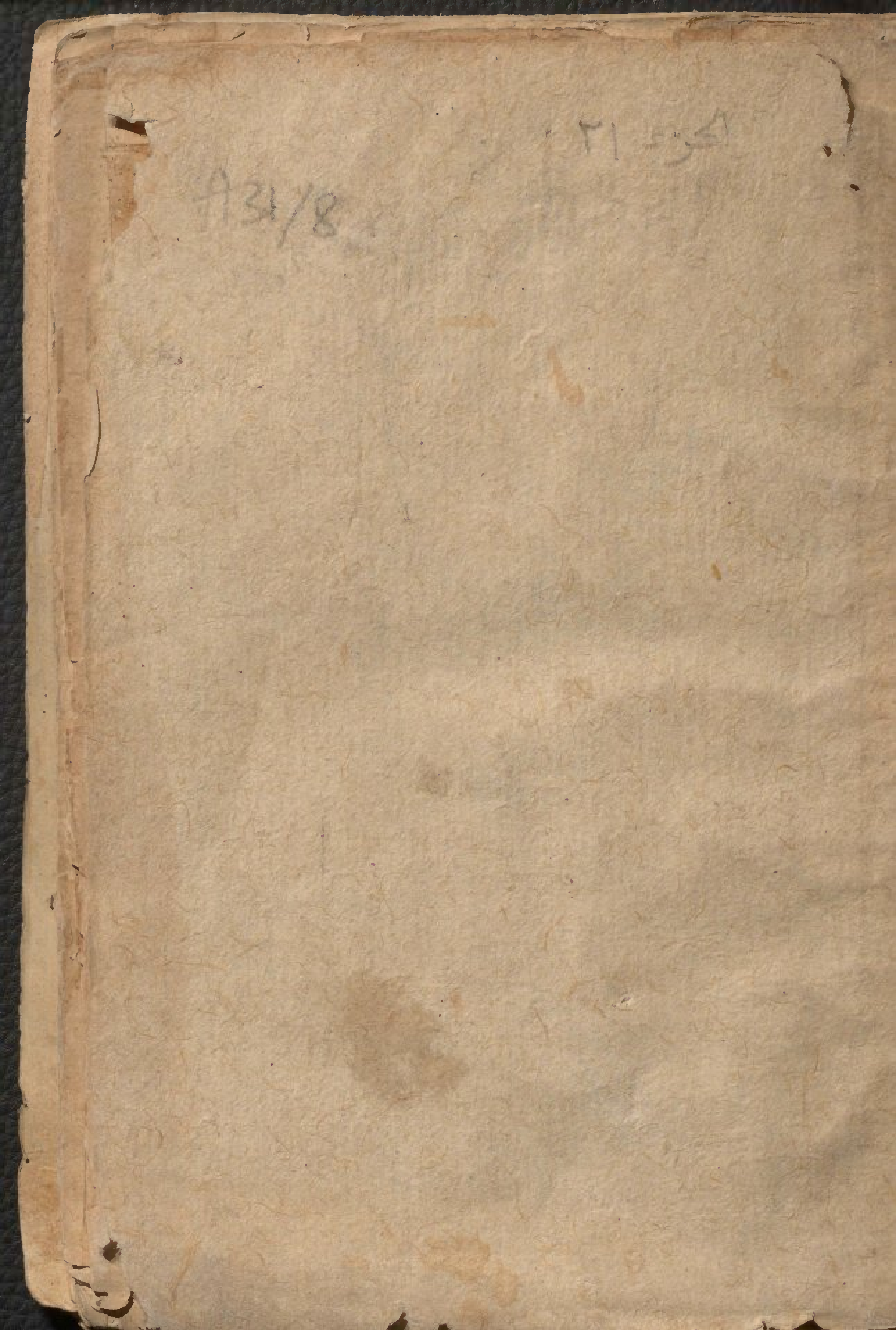
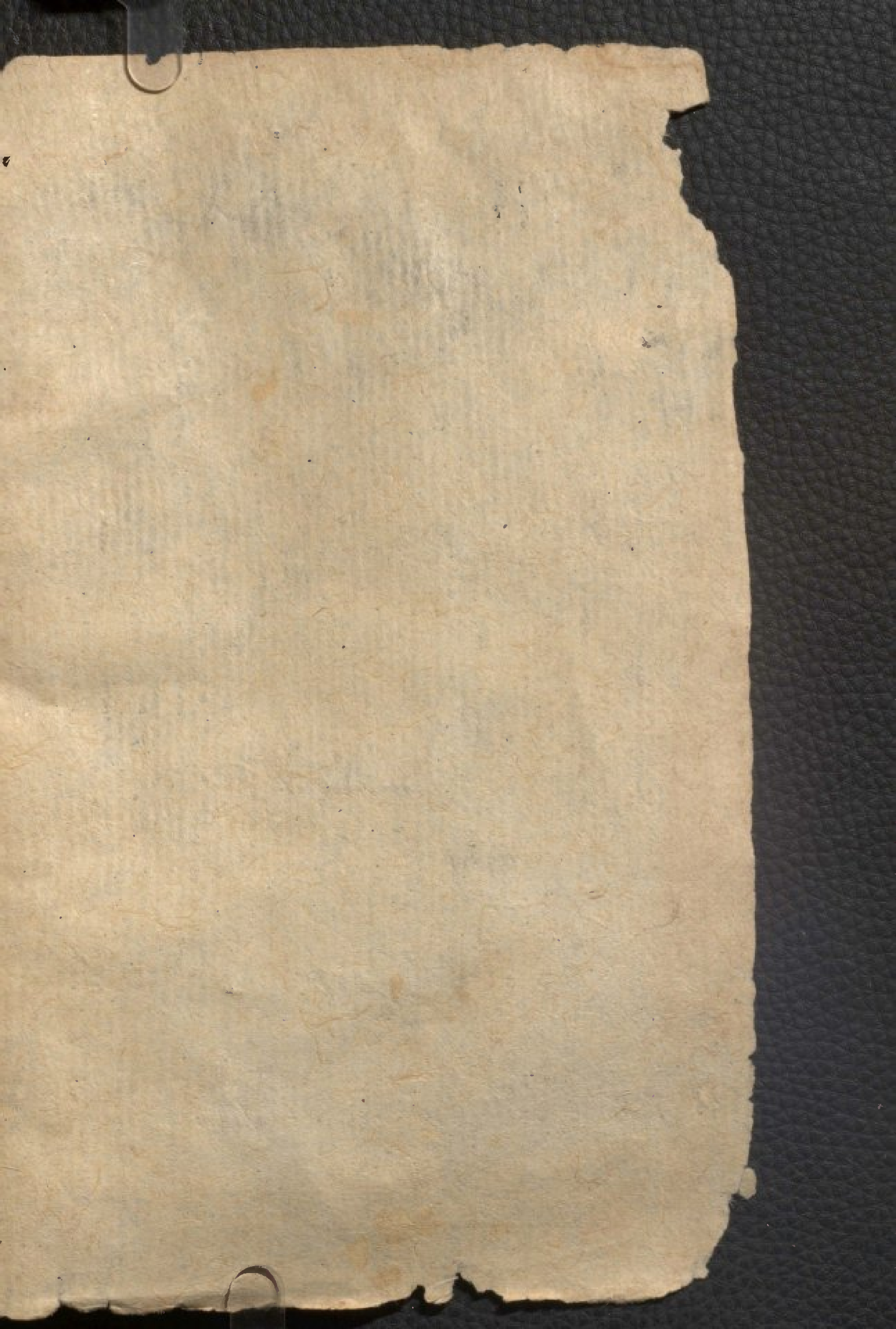

الجزء ٢١
A31/8







اتل ما اوحي
بخوان آنچ وحی فرستاده شد
اليك من الكتاب
سوی تو از نامه
واقم الصلوة
و بپای دار نماز را
ان الصلوة
که نماز
تنهى عن الفحشاء
باز می دارد از کارهای زشت



وَالْمُنكَرِ وَلَذِكْرُ

شناخته نشده — و هر آینه یاد کردن — در شریعه

اللّٰهِ أَكْبَرُ وَاللّٰهُ

خدای بزرگتر است و خدای

يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

می داند آنچ می کنید

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ

و نه پیکار کنید با کسهای

الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي

نامه مگر از آنکه

هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ

مگر آنانكه

ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا

از ايشان وگوييد

آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا

بانكه فرو فرستاده سوي ما

وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَٰهُنَا

فرستاده شد سوي شما وخداوند ما

وَإِلَٰهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ

شما يكيست

مُسْلِمُونَ وَكَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَا

إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَا

پس آنانكه نامه

آتينا

آتيناهم الكتاب يؤمنون

بدادیم شان را نامه می گرویدند

به ومن هؤلاء

بدو و از این گروه

من يؤمن به وما

آنست که بگرود بدو و نه

يجحد بآياتنا إلا الكافرون

منکر شوند بآیتهای ما مگر کافران

وما كنت تتلو من

و نه می خواندی از

قبله من كتاب

پیش از وی نامه

ولا تخطه بيمينك إذا لارتاب

و نه می نبشتی اورا بدست راست تو آنگاه بشکیدندی

الْمُبْطِلُونَ بَلْ هُوَ

بیهوده کاران ... او

آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ

آیتها بینا است در سینهاء

الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ

آنانکه دادند شدند دانش

وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ

ونیست منکر شوند بآیتها ما مگر ستمکاران

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ

وگفتند چرا فرستاده نشد بروی

آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا

آیتها از خداوند او بگوی هر اینه

الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا

آیتها نزد خدایست وهر اینه

انا نذير مبين ۝ اولم يكفهم

من بیم کننده ام پیدا او نه بسنده بود شانرا که

انا انزلنا عليك الكتاب

هر آئنه ما فرو فرستادیم ما برتو نامه

يتلى عليهم ان في

خوانده میشود بر ایشان که در

ذلك لرحمة وذكرى

آن بخشایشی وپندی است

لقوم يؤمنون ۝ قل

مر گروهی را که گروند بگو

كفى بالله بيني وبينكم

بسنده است خدای میان من ومیان شما

شهيدا يعلم ما في السموات

گواه می داند در آسمانها

ع

وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ

وزمین است وآنانک

آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا

گرویدند بنادرست وکفر آوردند

بِاللّٰهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

بخدای این گروه ایشان زیانکارانند

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ

وشتافتن می خواهند ترا بشکنجه

وَلَوْلَا أَجَلٌ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ

واگر نه زمان نام برده هر اینه آمدی بر ایشان

الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً

شکنجه وهر اینه آید ایشانرا ناگاه

وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ يَسْتَعْجِلُونَكَ

وایشان نه دانند شتافتن می خواهند از تو

بِالْعَذَابِ وَاِنَّ جَهَنَّمَ

بشکنجه وهر اینه دوزخ

لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

گرد در گرفته است بنا گرویدگان

يَوْمَ يَغْشٰيهُمُ الْعَذَابُ

آن روز که فرو پوشد شان را شکنجه

مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ

از زبر شان واز زیر

اَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا

پایهاء شان وگوید بچشید

مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ يَا عِبَادِيَ

آنچ که می کردند ای بندگان من

الَّذِينَ اٰمَنُوا اِنَّ اَرْضِي

اناکه گرویدند هر اینه زمین من

وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ

فراخ است بس مرا پرستيد

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ

هر تني چشنده

الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

مرگست باز بما بازگردانيده شويد

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

وآنانك گرويدند وكردند

الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ

كارهاي نيك هرآينه جاي دهيم شان را

مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي

از بهشت باركاهها مي رود

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

از زير آب جويها آب جاودانه

فيها

فِيهَا نِعْمَ اَجْرُ الْعَامِلِينَ

دران نيكو مزد يست كاركنان را

اَلَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلٰى

انانك شكيبائي كردند ونه

رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

بروردكارشان اعتماد مي كنند

وَكَاَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ

وچند از جنبنده

لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللّٰهُ يَرْزُقُهَا

نه بردارد روزي خود خداي روزي ميدهد اورا

وَاِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

وم شمارا ووي شنوا داناست

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ

واگر بپرسي شانرا كه افريد

السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ

آسمانها وزمين

وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

ورام كرد آفتاب وماه را

لَيَقُوْلُنَّ اللّٰهُ فَاَنّٰى

هر اينه گويند هر اينه خداي پس چگونه

تُؤْفَكُوْنَ اَللّٰهُ يَبْسُطُ

گردانيده مي شوند خداي فراخ كند

الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَاۤءُ

روزي را مر آنرا كه خواهد

مِنْ عِبَادِهٖ وَيَقْدِرُ لَهٗ

از بندگان خود وتنگ كند مراورا

اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ

كه خداي بهر چيزي داناست

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ

واكر برسيب شان را كه

نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

فرو فرستاد از آسمان آبي

فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ

بس زنده كرد بدو زمين از

بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ

بس مودن وي هر اينه كويند هر اينه

اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ

خدايه بكو سپاس مر خداي را و نه جه

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

بيشتر ايشان نه در يابند

وَمَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا

و نيست اين زندكاني اين جهان

ع

إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ

مگر مشغول كننده وبازي وبدرستي كه

الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ

سراى آنجهان وي

الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا

جاودانست اگر بي

يَعْلَمُونَ فَإِذَا رَكِبُوا

دانند پس چون برنشينند

فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ

در كشتي بخوانند خداي را

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

بي اميغ كنندگان از بهر وي كيش را

فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ

پس چون برهاند شانرا سوي خشكي خشكي

…ا هُمْ يُشْرِكُونَ لِيَكْفُرُوا

…گاه ایشان انباز گویند تا کافر شوند

…بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا

دادیم شان را وتا برخورداری گیرند

…وْفَ يَعْلَمُونَ أَوَلَمْ

…زود دانند او نه

…وْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا

…بند هراینه ما کردیم حرمی بی بیم

…يُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ

…ربوده می شوند مردمان از

…حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ

…گرد اگرد ایشان او پس بباطل

…ؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ

…می گروند ونیکویی خدای

يَكْفُرُونَ وَمَنْ أَظْلَمُ

بهمي كروند وكيست ستمكارتر

مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّٰه

از انكه بر كمفت بر بافت بر خداي

كَذِبًا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ

دروغي راحين براستي جون آمديش

أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى

او نيست در دوزخ جاي باش

لِلْكَافِرِينَ وَالَّذِينَ

مر ناكرويدكان وآنانك

جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ

كارزار كردند از بهر ما هرآينه نمائيم شانرا

سُبُلَنَا وَإِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

راههاء خود وخداي با نيكوكاران است

أَوْ كَذَّبَ

يا دروغ داشت راست

بسم الله

سورة الروم مكية وهي ستون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای مهربان همیشه بخشاینده

الٓمٓ غُلِبَتِ الرُّومُ فِيٓ أَدْنَى

بحق این سورة غلبه کنند رومیان در نزدیکترین

الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ

زمین وایشان از پس

غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي

غالب شدن زود بود که غلبه کرده شوند در

بِضْعِ سِنِينَ لِلّٰهِ الْأَمْرُ

چند سال‌ها مرخدایراست فرمان

مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ

از پیش واز پس وآن روزکه

يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ۝ بِنَصْرِ

شاد شوند گروندگان بیاری

اللّٰهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ

خدای یاری می‌کند آن که خواهد واوست

الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ وَعْدَ اللّٰهِ

بی همتا وهمیشه بخشاینده نوید خدای

لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ وَعْدَهُ

نه خلاف کند خدای نوید خود را

وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

وجز که بیشتر مردمان

لَا يَعْلَمُونَ ۝ يَعْلَمُونَ

نه دانند می دانند

ظَاهِرًا مِنَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

بیدا ای از زندگانی این جهان

وهم

وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ

وايشان از انجهان ايشان

غَافِلُونَ ۝ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا

بی اگاهانند او ند انديشه کردند

فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللّٰهُ

در تنهاء شان آنچ آفريد خداي

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ

آسمانها وزمين

وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ

وآنچ ميان ايشان است مگر براستی وزمانی

مُسَمًّى ط وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ

نام برده وهر اينه بسياری از مردمان

بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ۝

بديدار خداوند خود ناگرويدگان

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ

اوشه رفتند در زمين

فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ

پس بنگرند چگونه بود

عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ط

سرانجام آنانكه از پيش ايشان

كَانُوٓا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً

بودند سخت از ايشان قوة

تزبين

وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا

شاب كردند وشورا زمين را وآبادات كردند ش

نيدند

أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَآءَتْهُمْ

بيشتر ازانچ عمارت كردندش وآمدندشان

رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ط فَمَا كَانَ

پيغامبران شان بحجتها پيدا پس نه بود

الله

اللّٰه لِيَظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوٓا

خداي تا ستم کند شان را وجزکه بودند

اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ ثُمَّ كَانَ

بر تنهاء خود ستمکاران باز بود

عَاقِبَةَ الَّذِينَ اَسَاؤُا السُّوٓاٰى

پایان کار آنانک بدکردند بدي

اَنْ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِ

بسبب آنک دروغگوي داشتند آیتهاء

اللّٰهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ ۝

خداي وبودند بوي فسوس کنندگان

اَللّٰهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ

خداي نوآفریند آفریده را باز انگیزد اورا باز

اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ

دي بازگرداینده شوید . ا . او ...

يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ۝ وَلَمْ يَكُنْ

نومید شوند کافران ونه بود

لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا

مرایشانرا از انبازان ایشان شفاعت کنندگان وباشند

بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ ۝ وَيَوْمَ

با نبازان خود منکران وآن روز که

تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ ۝

برخیزد قیامت آن روز جدا شوند

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

پس برهر تقدیر آنانک گرویدند وکردند

الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ

نیکیها پس ایشان در مرغزاری

يُحْبَرُونَ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

شاد کرده شوند وبرهر تقدیر آنانک کفر آوردند

وكذبوا

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ

ودروغگوی داشتند ایتهامارا ودیدار آن جهان

فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ

پس آن گروه در شکنجه حاضر کردگان باشند

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ

پس پاک گفتن یعنی نماز ربد اردرا هنگامی که در شب شود

وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ

وهنگامی که در بامداد شوید ومر اورا ستایش

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

در آسمانها وزمین

وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

وشب انگاه وهنگامی که در نماز پیشین آیید

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ

بیرون آرد زنده را از مرده وبیرون

المیت من الحی ویحی الارض

مرده را از زنده وزنده کند زمین را

بعد موتها وکذلک تخرجون

پس از مردن وی وهمچنانت بیرون آورده شوید

ومن آیاته ان خلقکم

واز آیتهاوی آنست که آفرید شمارا

من تراب ثم اذا انتم بشر

از خاک باز چون شما آدمیان باشید

تنتشرون ومن آیاته ان

پراکنده واز نشانهاوی آنست که

خلق لکم من انفسکم

آفرید مر شمارا از جنس شما

ازواجا لتسکنوا الیها وجعل

جفتان تا آرامید با ایشان وبکرد

ع

بینکم

بينكم مودة ورحمة ان

ميان شما دوستي وبخشايشي كه

في ذلك لايات لقوم

در آن نشانهاست مر گروهي را كه

يتفكرون ومن اياته خلق

انديشه كنند واز نشانهاء وي

السموات والارض واختلاف

آسمانها وزمين وافزود شدن

السنتكم والوانكم ان في

زبانها شما ورنگهاء شما هر آينه در

ذلك لايات للعالمين ومن

آن نشانها است مر جهانيان را واز

اياته منامكم بالليل والنهار

نشانهاء وي خفتن شماست بشب وروز

وابتغاؤكم من فضله إن

وجستن شما از فضل وی هر اینه

في ذلك لآيات لقوم يسمعون

در آن نشانهاست مر گروهی را که می‌شنوند

ومن آياته يريكم البرق

واز آیتهاء وی بنماید شما را درخشش

خوفا وطمعا وينزل من

ترسیدنی وامید داشتنی و می فرستد از

السماء ماء فيحيي به الأرض

آسمان آبی پس زنده کند بدو زمین را

بعد موتها إن في ذلك

پس از مردن وی هر اینه در آن

لآيات لقوم يعقلون ومن

نشانهاست مر گروهی را که دریابند بخرد واز

آیاته

اٰيَاتِهِ اَنْ تَقُوْمَ السَّمَاۤءُ وَالْاَرْضُ

آیتها او آنست که بایستد آسمان وزمین

بِاَمْرِهِ ثُمَّ اِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ

بفرمان او باز چون خواند شمارا خواندنی از

الْاَرْضِ اِذَا اَنْتُمْ تَخْرُجُوْنَ وَلَهُ

زمین ناگاه شما بیرون آیید ومراورا است

مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلٌّ لَّهُ

آنچ در آسمانها وزمین هریک مراورا است

قَانِتُوْنَ وَهُوَ الَّذِيْ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ

فرمان برداران اند ووی است که نو آفریند آفریده را

ثُمَّ يُعِيْدُهُ وَهُوَ اَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ

پس باز گرداندش وآن آسانست براو ومراورا صفتست

الْاَعْلٰى فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ

برتر در آسمانها وزمین واو

ع

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ

بی همتا واستوار کار بیدا کرده مر شما را داستان از (استه)

أَنفُسِكُمْ هَل لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُم

تنهاء شما هیچ هست مر شما را از آنک منصرف (شد) دستهاء شما

مِّن شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنتُمْ فِيهِ

از انبازات در آنج روزی دادیم (شما را) پس شما در وی

سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنفُسَكُمْ كَذَٰلِكَ

یکسان اید می ترسید از ایشان همچو ترس شما از تنهاءات همچنانک

نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ بَلِ

بیدا می کنیم آیتها را از بهر گروهی دریابند خرد ند

اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ

بس روی کردند آنانک ستم کردند کامهاء دل خودرا بجز دانش

فَمَن يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُم

بس کیست که راه نماید آنرا که گمراه کند خدای و نیست مر ایشان

كذا لمد

من الناصر

مِّن نَّاصِرِينَ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ

از ياري كركان بس راست كن روي خود را مر كيش

حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ

راست سنت دين خداي آنك آفريد مردمان را

عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ

لِخَلْقِ

بروي نه هيچ كردانيدني آفريده خداي را آنست كيش

الْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

راست وجزكه بيشتر مردمان نه مي دانند

ع

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا

باز دانندكان سوي او وبترسيد ازوي وبباي داريد

الصَّلَوٰةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

نماز را ومه باشيد از انباز كويان

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا

از انكساني كه برا كنده كردند كيش خود را وبودند

شيعا كل حزب بما لديهم فرحون

گروهها هر گروهی بانچ نزدیک ایشانست شادمانند

واذا مس الناس ضر دعوا ربهم

وچون بساود مردمان را رنجی بخوانند خوردگار را

منيبين اليه ثم اذا اذاقهم منه رحمة

بازگردندگان بوی پس چون چشاند ایشان را ازو بخشایشی

اذا فريق منهم بربهم يشركون

ناگاه گروهی از ایشان بخداوند خود انباز گویند

ليكفروا بما آتيناهم فتمتعوا

تا ناسپاسی کنند بانچ بدادیم ما ایشان را پس برخورداری کنید

فسوف تعلمون ام انزلنا عليهم

پس زود بود که بدانید یا فرستادیم برایشان

سلطانا فهو يتكلم بما كانوا به

حجتی براو سخن گوید بانچ بودند بوی

يشركون

اذا

يشركون ۝ وإذا أذقنا الناس

انبازي كويند وجون جشانيم مردمانرا

ـمة فرحوا بها وإن تصبهم

شادبي شاد شوند واكر برسد شانرا

سيئة بما قدمت أيديهم إذا هم

بدي بدانج پيش فرستاد استهاء ناكاه ايشان

يقنطون ۝ أولم يروا أن الله

نوميد شوند او نه ديدند هر اينه خداي

يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر

فراخ مي كند روزي را مرآنانرا كه خواهد وتنك كند

ن في ذلك لآيات لقوم

هر اينه در ان نشانيهاست مركروهي را كه

يؤمنون ۝ فآت ذا القربى حقه

مي كروند بس بده خويشاوندانرا واجب او

ع

وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ

وبيچاره را وراه كذري را آن

خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ

بهترست مر آنانراكه مي خواهند خشنودي

اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

خداي وآن كروه رستكاران اند

وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبًا لِيَرْبُوَا فِي

وانچ بدهيد از افزوني تا افزوني شود در

أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ

خواستهاء مردمان بس افزون نزد خداي

وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَوةٍ تُرِيدُونَ

وانچ داديد شما از زكوتي مي خواهيد

وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ

خشنودي خداي بس آن كروه ايشان دوچندكنان

الله

اللّٰه الذي خلقكم ثم رزقكم ثم يميتكم
خداي آفريد شمارا باز روزي داد شمارا باز ميميراند شمارا

ثم يحييكم هل من شركائكم
باز زنده کند شمارا هست از انبازان شما

من يفعل من ذلكم
کسي که بکند از آنتان

من شيء سبحانه وتعالى
از چيزي پاک ميکويم پاک گفتن اورا وبلندست

عما يشركون ظهر الفساد
از آنچ انباز مي گويند بديد آمد تباهي

في البر والبحر بما كسبت أيدي
در خشکي وتري بآنچ کردند دستهاء

الناس ليذيقهم بعض الذي
مردمان تا چشاند شمارا بهره آنک

عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

کردند تا ایشان باز گردند

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا

بگو بروید در زمین پس بنگرید

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ

چگونه بود پایان کار انانک از

قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ فَأَقِمْ

پیش ایشان بودند بیشتر ایشان انباز گویان پس راست کن

وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ

روی خود را بر دین راست از پیش

أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ

آنک بیاید روزی که نبود هیچ باز گردانیدنی مر او را از خدای

يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ مَنْ كَفَرَ

آن روز پراکنده شوند هر که کفر آورد

فعلیه

فعليه كفره ومن عمل صالحا
بس بر ویست کفر او و هر که کند کاری نیک
فلانفسهم يمهدون ليجزي
بس مر تنهاء خویش را می گسترانند تا پاداش دهد
الذين آمنوا وعملوا الصالحات
آنانرا که گرویدند و کردند کارهاء نیک
من فضله انه لا يحب الكافرين
از فضل او که او نه دوست دارد کافرانرا
ومن آياته ان يرسل الرياح
واز آیتها او که فرستد بادهاء
مبشرات وليذيقكم من رحمته
مژده دهندگان و تا چشاندتان از بخشایش خود
ولتجري الفلك بامره ولتبتغوا
وتا رود کشتی بفرمان او وتا جوئید

مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

از افزوني او وتا شما سپاس داريد

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا

وبدرستي كه فرستاديم ما از پيش تو پيغامبران

سوي

قَوْمِهِمْ فَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا

گروه ايشان پس آمد برايشان باحجتها پيدا پس كين كشيديم

مِنَ الَّذِينَ اَجْرَمُوا وَكَانَ

از انانك گناه كردند وهست

حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ

راست بر ما ياري كردن مومنان

اَللّٰهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ

خداي انك مي فرستد بادها را

فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ

پس برانگيزد ابررا پس گستراندش در آسمان

كيف

كيف يشاء ويجعله كسفا

چگونه که خواهد وگرداندش پارها

فترى الودق يخرج من

پس بيني باران را بيرون آيد از

خلاله فاذا اصاب به من

ميان وي پس چون رساند بدو را

يشاء من عباده اذا هم يستبشرون

آنرا خواهد از بندگان او ناگاه ايشان شادي شوند

وان كانوا من قبل ان ينزل

وبدرستي که بودند از پيش از آنك فرو فرستاده شود

عليهم من قبله لمبلسين

برايشان از پيش آن نوميدان

فانظر الى آثار رحمة الله

پس بنگر سوي اثرها بخشايش خداي

كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ

جگونه زنده مي كند زمين را بس از

مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ

مردن او هر اينه انت زنده كننده مردكانست

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَئِنْ

واوست بر هر جيزي توانا واگر

أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا

فرستيم بادي بس ببينند اورا زرد شده هر اينه شوند

مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ

از بس او ناگرويدگان بس هر اينه تو نشنواني

الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ

مردكان را ونه شنواني كرانرا خواندن را

إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ وَمَا أَنْتَ

جون بر گردند بشت دهندگان ونه تو

عطاي

بهادي العمي عن ضلالتهم ان
راه نماینده کوران را از گمراهی شان نه
تسمع الا من يؤمن بآياتنا فهم
شنوانی مگر آنرا که گرود . بآیتهای ما پس ایشان
مسلمون ۝ الله الذي خلقكم
مسلمانانند خدای آنست که آفرید شمارا
من ضعف ثم جعل من بعد
از سستی باز کرد از پس
ضعف قوة ثم جعل من بعد
سستی نیرو باز کرد از پس
قوة ضعفا وشيبة يخلق ما
توانائی سستی و پیری می آفریند آنچ
يشاء وهو العليم القدير ۝
می خواهد واوست دانا وتوانا

ع

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ

وآن روز که برخیزد قیامت سوگند خورند

الْمُجْرِمُونَ ۝ مَا لَبِثُوا غَيْرَ

کافران درنگ کردند جز

سَاعَةٍ ط كَذَٰلِكَ كَانُوا

یکساعت همچنانت بودند

يُؤْفَكُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ

دروغ میگفتند وگفتند آنانک

أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ

داده شدند دانش وگرویدن

لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ

بدرستی درنگ کردید در نامه

اللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْبَعْثِ

خدای تا روز برانگیختن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداي مهربان بخشاينده همیشه است
الٓمٓ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ
بحق این حروف این آیتها نامه استوار کرده است
الْحَكِيمِ هُدًى وَرَحْمَةً لِلْمُحْسِنِينَ
کرده شده است راه نمای و بخشایش مر نیکوکاران را
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ
آنانک بپای می دارند نماز را
وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ
ویدهند زکوة را وایشان بدانجهان
هُمْ يُوقِنُونَ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى
ایشان بیکمان می شوند این گروه بر راه راست
مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ
از پروردکارشان واین گروه ایشان

الْمُفْلِحُونَ ۞ وَمِنَ النَّاسِ

رستکاران اند   واز   مردمان

مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ

کسي که است   بي خرد   افسانه   سخن را

لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ

تا گمراه کند مردمان را از   راه   خداي   بغير دانش

وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

و بگيرد آن را افسوسي   اين گروه   مر ايشان راست   شکنجه

مُهِينٌ ۞ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا

خوار کننده   وچون خوانده شود برو   آيتها ما

وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا

روي گرداند   گردن کشي کننده   گويي که   نه   شنودش

كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ

گويي که   در   دو گوش وي   گرانيست   بس مژده ده

اورا

بِعَذَابٍ اَلِيمٍ اِنَّ الَّذِينَ

بشکنجه دردناک که آنانکه

اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ

گرویدند وکردند نیکیها مرایشانراست

جَنَّاتُ النَّعِيمِ خَالِدِينَ فِيهَا

بوستانها بنکوئی نعمت جاودانه باشند دران

وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

نوید خدای راستست واوست بی همتا واستوارکار

خَلَقَ السَّمٰوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا

آفرید آسمانها بجز ستون که بینید

وَاَلْقٰى فِي الْاَرْضِ رَوَاسِيَ اَنْ

اورا بی

وافکند در زمین کوهها استوار ازبهر آنک

تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا كُلِّ دَابَّةٍ

نجنباند تان وبراکند دروی هر جنبنده

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا

و فرستاديم ما از آسمان آبي پس رويانيديم

فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ هَذَا خَلْقُ

درات از هر گونه نيكو اين آفريدن

اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ

خداي پس نماييد مرا چيست آنك آفريدند آنانك

مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ

از جزوي اند نه چه ستمكارات

فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَلَقَدْ آتَيْنَا

در گمراهي بيداند وبدرستني بدادم

لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ

لقمان را حكمت كه سپاس داري بند

وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ

وهركه سپاس داري نمر سپاس مرنت خود را كند

سپاس داري كند

ومن

وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ

وهرکه ناسپاسی کند نعمترا پس خدای بی نیاز

حَمِيدٌ وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ

ستوده است وچون گفت لقمان

لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ

پسر خودرا واو پند میدادش ای پسرمن انباز مکوی

بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

بخدای هر اینه انباز گرفتن ستمی بزرگست

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ

وپند کردیم ما آدمی را بمادر وپدر وی برداشتش

أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي

مادر وی سستی بر سستی وشیر باز کردن وی در

عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ

دو سال بود که سپاس داری کنید مرا ومادر وپدر تو

إلي المصير وإن جاهداك على

سوی منست بازگشت واگر کوشند ترا بر

أن تشرك بي ما ليس لك به علم

آنک انباز گوئی با من آنچ که نیست مر ترا با

فلا تطعهما وصاحبهما في الدنيا

فرمان بر ایشان را و صحبت کن با ایشان اندرین جه

معروفا واتبع سبيل من أناب إلي

نیکو وبسر روی کن راه آنراکه بار

ثم إلي مرجعكم فأنبئكم بما كنتم

باز بمن بازگشت شماست پس آگاه کنم شما را بآنچه بودید

تعملون يا بني إنها إن تك

کردندگان ای پسرک من آن نیز اگر باشد

مثقال حبة من خردل فتكن

همسنگ دانه از سپندان پس باشد

أناب

أنك

فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي

در سنكي يا در آسمانها يا در

الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ

زمين آرد اورا خداي كه خداي دوربين

خَبِيرٌ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَوٰةَ وَأْمُرْ

آگاه است اي پسر من بپاي دار نماز را وبفرماي

بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ

بنيكوئي وبازدار از كار زشت وصبر كن

عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ

بر آنچ رسيد ترا كه آنت

مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ

از دل بستن كارها است وبر مگردان بكبر روي خود

لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ

بر مردمان ومرو در زمين

مَرَحًا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ

بنشاط كه خداى نه دوست دارد هر

مُخْتَالٍ فَخُوْرٍ وَاقْصِدْ فِيْ مَشْيِكَ

خرامنده نازنده را وميانه رو در رفتن خود

وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ اِنَّ

وفرود ار از آوازت كه هر اينه

اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيْرِ

زشت ترين آوازها آواز خرست

اَلَمْ تَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي

او نديده ايد كه هر اينه خداى رام كرد مرشما را آنچ در

السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَاَسْبَغَ

آسمانها وآنچ در زمين است وتمام كرد

عَلَيْكُمْ نِعَمَهٗ ظَاهِرَةً وَّبَاطِنَةً وَمِنَ

بر شما نيكويبهاى خود بيدا ونهان را واز

النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللهِ

مردمان آنست که بیکار می کنند در خدای دین

بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ

بجز دانش ونه راه نماینده ونه نامه

مُنِيرٍ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا

روشن وچون گفته شود ایشان را پس روی آرید

أَنْزَلَ اللهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا

که فرو فرستاد خدای گویند بلکه پیروی کنیم آنرا که یافتیم ما

عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ

برو پدران ما او اگر بود دیو

يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ

خواند ایشان را سوی عذاب آتش افروزان

وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللهِ

وهر که سپارد تن خود را بسوی خدای

وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ

واوست نيكوكار پس بدرستی چنگ در زده بگوش

الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

استوارتر وسوی خدایست پایان کارها

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنْكَ كُفْرُهُ

وهر كه كفر آرد نه اندوهگین کند ترا کفر او

إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا

سوی ماست بازگشت ایشان پس آگاه کنیم شان با آنچ کردند

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

كه خدای داناست برازهای سينه

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ

برخورداری دهیم شان لختی اندکی باز بیچاره کنیم شان را سوی

عَذَابٍ غَلِيظٍ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ

شکنجه درشت واگر پرسی شان را

مَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

که آوريد آسمانها وزمين

لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ

هر اينه گويند هر اينه خداي بگوي سپاس مر خداي را نه چه بلك

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ لِلَّهِ

بيشتر ايشان ني دانند مر خداي راست

مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ

آنچ در آسمانها وزمين هر اينه

اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَلَوْ أَنَّ

خداي وي بي نياز ستوده است واگر هر اينه

مَا فِي مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ

آنچ در از درختي خامها بود ودريا

يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ

سياهي كرد از بس او هفت دريا

اورا

مَّا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
نه سپری شود سخنهاء خداء که خداء

عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ مَا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ
بی همتا واستوار کارست نیست افریدن شما ونه برانگیختن شما

إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
مگر همچو برانگیختن تنی بیسکی که خداء شنوا

بَصِيرٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ
وبیناست او نه دیدی که خداء دریجی آرد شب را

فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ
در روز ودریجی آرد روز را در شب

وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي
ورام کرد آفتاب وماه را هریکی میرود

إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ
تا زمانی نام برده وهر اینه خداء بدانچ می کنید

خبیر

خَبِيرٌ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ

اگاه است انت بآنست که خدای وی راستست

مَا يَدْعُونَ وَإِنَّمَا يَدْعُونَ مِن

آنچ مي خوانید

از

دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ

جز او نادرست است و هر اینه خدای وی

الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ

بلند بزرگست او نه دیدي که کشتي

تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُم

مي رود در دریا بنیکویي خدای تا نمایدتان

مِّنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ

از اینهاء خود هر اینه در ان نشانهاست

لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ وَإِذَا غَشِيَهُم

مَّوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ

اشتوي همجو سايه با نها خوانند خدايرا بي اميغ كنندگان

لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ

از بهر او كيش را بس جون رهاند شان را سوي خشكي

فَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا

بس از ايشان ميانه رونده است ونه منكر شود باينهاء ما

إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

مگر هر ناوفائي ناسپاسي اي مردمان

اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَّا يَجْزِي

بترسيد از پروردگار شما وبترسيد ازان روزي كه نه گزارد

وَالِدٌ عَن وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ

پدري از فرزند خود ونه فرزند وي گزارنده بود

عَن وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ

از پدر خود جيزي هر اينه نويد خداي

حق

حق فلا تغرنكم الحيوة الدنيا

راستست بس نه فريبند هر اينه شمارا زندگاني اين جهان

ولا يغرنكم بالله الغرور ان

ونه فريبد شمارا بخداي فريبنده ديو هر اينه

الله عنده علم الساعة وينزل

خداي نزديست دانش قيامت وفرو فرستد

الغيث ويعلم ما في الارحام

باران را ومي داند آنچه در زهدانست

وما تدري نفس ماذا تكسب

ونه مي داند هيچ تني چه ورزد يعني كار كند

غدا وما تدري نفس باي ارض

فردا ونه مي داند هيچ تني بكدام زمين

تموت ان الله عليم خبير

بميرد كه خداي دانا وآگاهست

سورة السجده مكية وهي تسع وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداي مهربان بخشاينده

الم ﴿١﴾ تنزيل الكتاب لا ريب
بحق اين سوره فرو فرستادن نامه نه گماني

فيه من رب العالمين ﴿٢﴾ أم
درو از پروردگار جهانيانست يا

يقولون افتريه بل هو الحق
مي گويند برбافتش نه چنان وي راستست

من ربك لتنذر قوما ما أتيهم
از پروردگار تو تا بيم كني گروهي را نه آمد شان را

من نذير من قبلك لعلهم يهتدون ﴿٣﴾
بيم كننده از پيش تو تا مگر شان راه راست گيرند

اَللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰاتِ

خداي انک آفريد آسمانها

وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِيْ سِتَّةِ

وزمين وآنچ ميان هردواست در شش

اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰي عَلَي الْعَرْشِ ط

روز باز قصد كرد ابر آفريدن تخت بزرك

مَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا

نيست مرشمارا از جزوي هيچ دوستي ونه

شَفِيْعٍ ط اَفَلَا تَتَذَكَّرُوْنَ ۝ يُدَبِّرُ الْاَمْرَ

خواهش كننده اوبس نه پند گيريد تقدير كند فرمان را

مِنَ السَّمَاءِ اِلَي الْاَرْضِ ثُمَّ

از آسمان سوي زمين باز

يَعْرُجُ اِلَيْهِ فِيْ يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهٗ

برشود سوي او در روزي كه باشد مقدار آن

أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ۝ ذَٰلِكَ

هزار سال از انچ مي شمريد شما

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ

دانا بنهانست وآشكارا ني همتا

الرَّحِيمُ ۝ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ

هميشه بخشاينده انك نيكو كرد هر جيزي

خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن

كه آفريدانرا وآغاز كرد آفريدن مردم را

طِينٍ ۝ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَةٍ

خاك بار كرد فرزندان وي را از

مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ ۝ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ

از آبي كنده سست باز راست كردش ودر دميد

فِيهِ مِن رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ

در از جان وي وكرد مر شمارا

مِن

السمع

السمع والابصار والافئدة قليلا

و ايشي و بينايي ودلها اندكي

ما تشكرون وقالوا ءاذا ضللنا

سپاس داري ميكنيد وگويند اوجون كم شويم

في الارض ءانا لفي خلق جديد

زمين اوهر اينه ما در آفريدت نو باشيم

بل هم بلقاء ربهم كافرون

ايشان بجزاء پروردگار شان منكراند

قل يتوفيكم ملك الموت الذي

بميراند شما را فريشته مرك انك

وكل بكم ثم الى ربكم ترجعون

گماشته شد بشما باز سوي پروردگار شما بازگردانيده شويد

ولو ترى اذ المجرمون ناكسوا

اگر بيني جون از وقت گناه كاران فروكشنده گان

رُؤُسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا

سرهای شان نزد پروردگار شان ای پروردگار ما دیدیم وشنو

فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ

بس بازگردان مارا تا کنیم کاری نیک

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا

واگر خواستیمی هر اینه دادیمی هر نفس را

وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي

وجز انک واجب شد گفتار ا

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

هر اینه پر کنیم دوزخ را از پریان و

أَجْمَعِينَ فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ

همه بس بچشید شما بانچه فراموش کردید

هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ

این هر اینه ما باداش دادیم شمارا بآن بچشید

عذاب الخلد بما كنتم تعملون
شکنجه جاوید را بانج می کردید شما

انما يؤمن بآياتنا الذين اذا
هراینه گروند بآیتهاء ما آنانک جون

ذكروا بها خروا سجدا وسبحوا
یاد داده شوند بدان بر روی در افتند سجده کنان و پاکی یاد کنند

بحمد ربهم وهم لا يستكبرون تتجافى
بستایش خداوند شان و ایشان نه گردن کشی کنند دور شود

جنوبهم عن المضاجع يدعون
پهلوهاء شان از بسترها می خوانند

ربهم خوفا وطمعا ومما رزقناهم
پروردگار خود را بترس و امید و ازانج روزی دادیم شان را

ينفقون فلا تعلم نفس ما
هزینه کنند پس نه داند هیچ تن آنج

سجدة
سجده
سجده

أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً

بوشیده کرده شد مر ایشانرا از روشنائی چشمها باداشی

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ أَفَمَنْ كَانَ

بانچ بی کردند اوپس آنک بود

مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا ط لَا يَسْتَوُونَ ط

کروندة همچو کسی که بود بی فرمان نه برابر باشند

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

برهر تقدیر آنانک کرویدند وکردند کارهاینک

فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا

بس مر ایشانراست بهشت جای فروامدن دادت بانچ

كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ

بودند کردندکات وبرهر تقدیر آنانک

فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ط كُلَّمَا

بیرون آمدند بس جای باش ایشان آتش است هر بار که

از فرمان

ارادوا

ثلث

اراد وا ان يخرجوا منها اعيدوا

بخواهند كه بيرون آيند ازان بازگردانيده شوند

فيها وقيل لهم ذوقوا عذاب

دران وگفته شود براىشان چشيد شكنجه

النار الذي كنتم به تكذبون

آتش انك بوديد بوي دروغ داشتيد

ولنذيقنهم من العذاب الادنى

وهر اينه چشانيم شان را از شكنجه نزديكتر

دون العذاب الاكبر لعلهم

جز شكنجه بزرگتر تا مگر ايشان

يرجعون ومن اظلم ممن ذكر

بازگردند وكيست ستمكارتر ازانكس

بايات ربه ثم اعرض عنها

بآيتها ديرسي پس روي بگرداند ازان

إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ

هر آینه ما از گناه کاران کینه کشیم و داد ستانیم

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

و بدرستی بدادیم موسی را توریت

فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ

بس مباش تو ای محمد در گمانی از دیدار وی

وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ

و بکردیم ما اورا راه نمای مر پسران یعقوب را

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا

و کردیم ما از ایشان راه نمایانی که راه نمایند بفرمان ما

لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ

هرگاه که شکیبائی و بودند بآیتهای ما بی گمانان بودند

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ فِيمَا

هر آینه پروردگار تو وی جدا کننده میان ایشان فردا است

يوم القيمة

كانوا فيه يختلفون ۝ اولم يهد

بودند دروى اختلاف مى كردند اونه راه نمود

لهم كم اهلكنا من القرون

مرايشان را چند هلاك كرديم از گروهها

يمشون في مساكنهم ان في ذلك

مى روند در جايهاى باش ايشان هر اينه در انت

لآيات افلا يسمعون ۝ اولم

نشانهاست اوبس شنوند اونه

يروا انا نسوق الماء الى الارض

ديدند كه ما مى رانيم آب را به زمين

الجرز فنخرج به زرعا تاكل منه

پس بيرون آريم بدان زراعت را مى خورد ازان

انعامهم وانفسهم افلا يبصرون

چهارپايان شان تنهاى شان چرا نه بينند

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْفَتْحُ إِنْ

و مي كويند كيست اين كشادت اكر

كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ

هستيد راست كويان بكوي روز كشادت

لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ

نه سود كند آنانرا كه كفر آوردند كرويدن شان و نه ايشان

يُنْظَرُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ

زمان داده شوند پس روي كردان از ايشان

وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ

وچشم داركه هر اينه ايشان

مُنْتَظِرُونَ

چشم دارندكانند

سورة الاحزاب مدنية ثلث وسبعون آية

ع

64

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداي مهربان همیشه بخشاینده است

يا ايها النبي اتق الله ولا تطع

اي پیغامبر بترس از خداي ونه فرمان بر

الكافرين والمنافقين ط

ناگرویدگان را ودورویان را

ان الله كان عليما حكيما ۷

كه خداي بود دانا واستواركار

واتبع ما يوحي اليك من ربك ط

وپس روي انرا كه پیغام داده سوي تو از پروردگار تو

كن مي شود

ان الله كان بما تعملون

هرآينه خداي هست بانچ مي كنيد

خبيرا ۷ وتوكل علي الله ط وكفي

آگاه واعتماد كن بر خداي وبس است

بِاللهِ وَكِيلًا ۝ مَا جَعَلَ اللهُ لِرَجُلٍ

بخداي كارسازرا نه كرد خداي مرمردي را

مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ

از دو دل در درون وي ونه كرد

أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ

جفتان شمارا آنانك ظهار ميكنيد

مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ

ازايشان مادران شما ونه كرد به پسري گرفتگان شما

أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ

پسران شمارا آنتان گفتارتان بدهنهاتان

وَاللهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي

وخداي مي گويد راستي را ووي مي نمايد

السَّبِيلَ ۝ اُدْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ

راه بخوانيد ايشانرا بپدرانشان وي

أَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ فَاِنْ لَّمْ تَعْلَمُوْا

بادادترست نزد خداي پس اگر نه دانيد

آبَاۤءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّيْنِ

پدران شان را پس برادران شان اند در كيش

وَمَوَالِيْكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ

ودوستان شما ونيست بر شما بزه

فِيْمَاۤ اَخْطَاْتُمْ بِهٖ وَلٰكِنْ مَّا تَعَمَّدَتْ

در آنچ خطا كرديد بدو وجز آنچ قصد كرد

قُلُوْبُكُمْ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا

دلهاتان وهست خداي آمرزكار

رَّحِيْمًا اَلنَّبِيُّ اَوْلٰى بِالْمُؤْمِنِيْنَ

هميشه بخشاينده پيغامبر سزاوارترست بگرويدگان

مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَاَزْوَاجُهٗۤ اُمَّهَاتُهُمْ

از تنهاء شان وجفتان وي مادران شان اند

وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلَي

وخداوندان خویشها لختي ازایشان سزاوارتر

بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللّٰهِ مِنَ

بلختي در نامه خداي از

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ اِلَّا اَنْ

گرویدگان وبرندگان خانمان از مگر آنك

تَفْعَلُوا اِلَي اَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا

کنید سوی دوستان شما نیکویي

كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

بود آن در نامه نبشته

وَاِذْ اَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ

ویاد کن آن وقت را که گرفتیم ما از پیغامبران عهد استوار ایشان

وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَاِبْرَاهِيمَ وَمُوسَي

وازتو واز نوح وابراهیم وموسی

وعيسي

وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

وعيسي بسر مريم وبگرفتيم از ايشان

مِيثَاقًا غَلِيظًا ۝ لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ

عهدي درشت تا بپرسد راست گويان را

عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ

از راست گفتن شان وآماده كرد مر ناگرويدگان را

عَذَابًا أَلِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

شكنجه . دردناك يا اي آنانك گرويدند

اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ

ياد كنيد نيكويي . خدايرا برشما چون

جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

آمد تان سپاهها بس فرستاديم برايشان

رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ

بادي ولشكرهايي كه نه ديديد آنرا وهست

ع

الله بما تعملون بصيرا

خداي بدانچ مي كنيد بينا

إذ جاؤكم من فوقكم ومن

چون آمدند شما از زبر شما واز

أسفل منكم وإذ زاغت الأبصار

فرودتر از شما وچون بركشت چشمها

وبلغت القلوب الحناجر وتظنون

وبرسيد دلها بحنجر كردنها وكمان ميبرديد

بالله الظنونا هنالك ابتلي

بخداي كمانها انجا ازموده شدند

المؤمنون وزلزلوا زلزالا شديدا

كرويدكان وجنبانيده شدند جنبانيدني سخت

وإذ يقول المنافقون والذين

وچون كفتند دوروبات وآنانكه

في قلوبهم

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ

در دلهاشان بيماري مگر فريب داد ما را خداي

وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا وَإِذْ قَالَتْ

و رسول او مگر فريفتني وچون گفتند

طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ

گروهي ازايشان اي کسان مدينه نيست جاي ايستادن

لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ

شمارا پس باز گرديد ودستوري مي خواستند گروهي

مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا

ازايشان پيغامبر را مي گويند هرآينه خانهاء ما

عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ

نااستوارست ونيست آنها نااستوار

يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا وَلَوْ دُخِلَتْ

نمي خواهند مگر گريختن واگر در آمده شدندي

عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا

برايشان از كرانهاات باز خواسته شدندى

الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا

فتنه هرايند دادندى اترا ونه درنگ كردندى بدو

يَسِيرًا ۝ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا

اندكى وبدرستى بودند عهد كرده

مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ

از پيش نه دهند پشتها

وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ۝ قُل

وبود پيمان خداى خواسته شده بگوى

لَّن يَنفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم

هرگزنه سود كند شمارا گريختن اگر گريزيد

مِّنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا

از مرگ يا بكشتن وا

لَا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قُلْ

برخورداری داده نشوید مگر اندکی بگو

مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِّنَ

کیست آنک نگاه دارد شمارا از

اللّٰهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوٓءًا أَوْ

اگر خواهد بشما بدی یا

أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً ط وَلَا يَجِدُونَ

خواهد بشما بخشایشی و نه یابند

لَهُم مِّن دُونِ اللّٰهِ وَلِيًّا

مر ایشانرا از جز خدای دوستی

وَلَا نَصِيرًا ۝ قَدْ يَعْلَمُ اللّٰهُ

و نه یاری گری بدرستی می داند خدای

الْمُعَوِّقِينَ مِنكُمْ وَالْقَائِلِينَ

بازدارندگان از شما وانهارا که می گویند

لِاِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ اِلَيْنَا وَلَا يَاْتُوْنَ

مر برادرانشان را بیا سوی ما و نه آیند

الْبَاْسَ اِلَّا قَلِيْلًا اَشِحَّةً عَلَيْكُمْ

بحرب مگر اندکی افتات بر شما

فَاِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَاَيْتَهُمْ يَنْظُرُوْنَ

پس چون آمد ترسی بینی ایشان را می نگرند

اِلَيْكَ تَدُوْرُ اَعْيُنُهُمْ كَالَّذِيْ

سوی تو می گردد چشمهاشان همچو آنکه

يُغْشٰي عَنْهُ مِنَ الْمَوْتِ فَاِذَا ذَهَبَ

المَوتِ

بیهوشی افتاد بر وی از مرگ پس چون برود

الْخَوْفُ سَلَقُوْكُمْ بِاَلْسِنَةٍ حِدَادٍ

ترسی ارنجانند بزبانها تیز

اَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ اُولٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوْا

افتات بر نیکویی آن گروه نه گرویدند

فاحبط

فَاَحْبَطَ اللّٰهُ اَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذٰلِكَ

بس ناچیز کرد خدای کارهاشان وبود آنت

عَلَى اللّٰهِ يَسِيرًا يَحْسَبُونَ الْاَحْزَابَ

بر خدای آسان می پندارند گروهها

لَمْ يَذْهَبُوا وَاِنْ يَاْتِ الْاَحْزَابُ

نه رفتند واگر آیند آن گروهها

يَوَدُّوا لَوْ اَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْاَعْرَابِ

آرزو برند کاشکی ایشان بیابانیان بودی در اعراب

يَسْئَلُونَ عَنْ اَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا

می پرسند از خبرهاستان واگر بودندی

فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا اِلَّا قَلِيلًا لَقَدْ

از شما نه کارزار کردندی مگر اندکی بدرستی

كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللّٰهِ اُسْوَةٌ

بود مر شمارا در رسول خدای سیسے نیکو

حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللّٰهَ

نكو مر آنرا كه بود اميد داشت خدايرا

وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللّٰهَ كَثِيرًا

و روز بازپسين و ياد كرد خداي را بسيار

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ

و چون ديدند گرويدگان گروهها را

قَالُوا هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ

گفتند اين انست كه نويد داد مارا خداي و پيغامبر

وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ

و راست گفت خداي و پيغامبر او و نه افزود ايشانرا

إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

مگر راست گوى و سپردن از گرويدگان

رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللّٰهَ

مردانى اند كه و راست گفتند آنچ عهد كردند با خداي

عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ

براو بس از ایشان آنست که گزارد نذر خود را

وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا

واز ایشان کسی است که چشم می دارد ونه دیگر سان کنند

تَبْدِيلًا لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ

دیگرسانی کردنی تا پاداش دهد خدای راست گویان را براست

بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ

گفتن شان و با شکنجه کند منافقان را اگر خواهد

أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

یا توبه دهد بر ایشان هر آینه خدای هست

غَفُورًا رَحِيمًا وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ

آمرزکار وبخشاینده وباز گردانید خدای آنان را که

كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا

کافر شدند بخشم شان نیافتند [illegible]

وَكَفَى اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ

وكفايت كرد خداى كرويدكان را كارزار

وَكَانَ اللّٰهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ۝ وَاَنْزَلَ

وهست خداى توانا ونبهمتا وفرود آورد

الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِّنْ اَهْلِ

آنانرا كه هم پشت شدند شانرا از اهل

الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ

كتاب از حصارها ايـ

وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا

وانداخت در دلهاء شان ترس

تَقْتُلُونَ وَتَاْسِرُونَ فَرِيقًا ۝

مى كشتيد ومى شديد گروهى

وَاَوْرَثَكُمْ اَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ

ميراث داد تان را زمينهاء ...

واموال

وأموالهم وأرضا لم تطؤوها

وخواستهاء شان وزمين را كه نه زير پاي كرديد از ا

وكان الله على كل شيء قديرا

وهست خداي بر هرچيزي توانا

يا أيها النبي قل لأزواجك

اي پيغامبر بگو پيغامبر بگوي مر جفتان خويش را

إن كنتن تردن الحيوة الدنيا

اگر هستيد كه مي خواهيد زندگاني نزديكتر

وزينتها فتعالين أمتعكن

وآرايش وي را پس بيائيد متعه دهم تان

وأسرحكن سراحا جميلا وإن

ورها كنم تان را رها كردني نيكو واگر

كنتن تردن الله ورسوله

هستيد كنتن خواهيد خداي را و پيغامبر او را

ع

إن كنتن

كنتن

رسوله

والدار الاخرة فان الله

وسراي آن جهان يس هرآينه خدا

اعد للمحسنات منكن اجرا عظيما

اماده كرد مر نيكوكارانرا از شما مزدي بزرك

يا نساء النبي من يات منكن

اي زنان پيغامبر هر كه بيايد از شما

بفاحشة مبينة يضاعف

بكاري زشت پيدا تو بر تو كرده شو

لها العذاب ضعفين

مراو را عذاب بيكدو

و كان ذلك على

و هست آن بر

الله يسيرا

خداي آسان

للمحسنات

٦

متصرف ممالك طول الله عمره وجعله خلفًا صالحًا با كافه اهل الاسلام

بخوللندو و امواله بلا الامان و سرخوجى مرد و جهان باد انده وقفه

صحيح شرعى [illegible] ايلدى [illegible] خوه

نازه و نه ازه و ره [illegible] و نه [illegible] و نه فروخته [illegible]

هر كيم [illegible] صاحب الله [illegible] بحكم

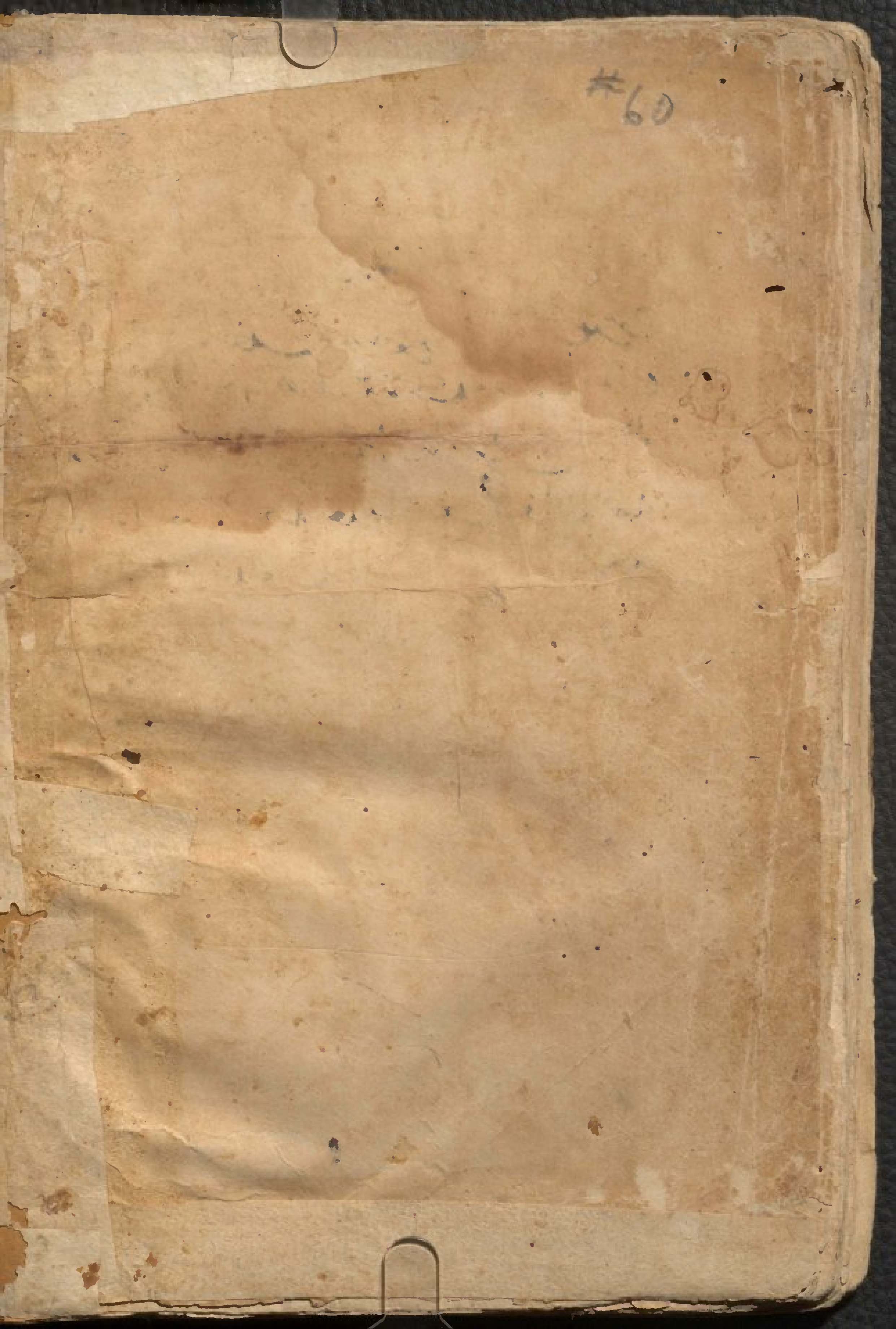
قوله تعالى فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه

على الذين يبدلونه ان الله سميع عليم

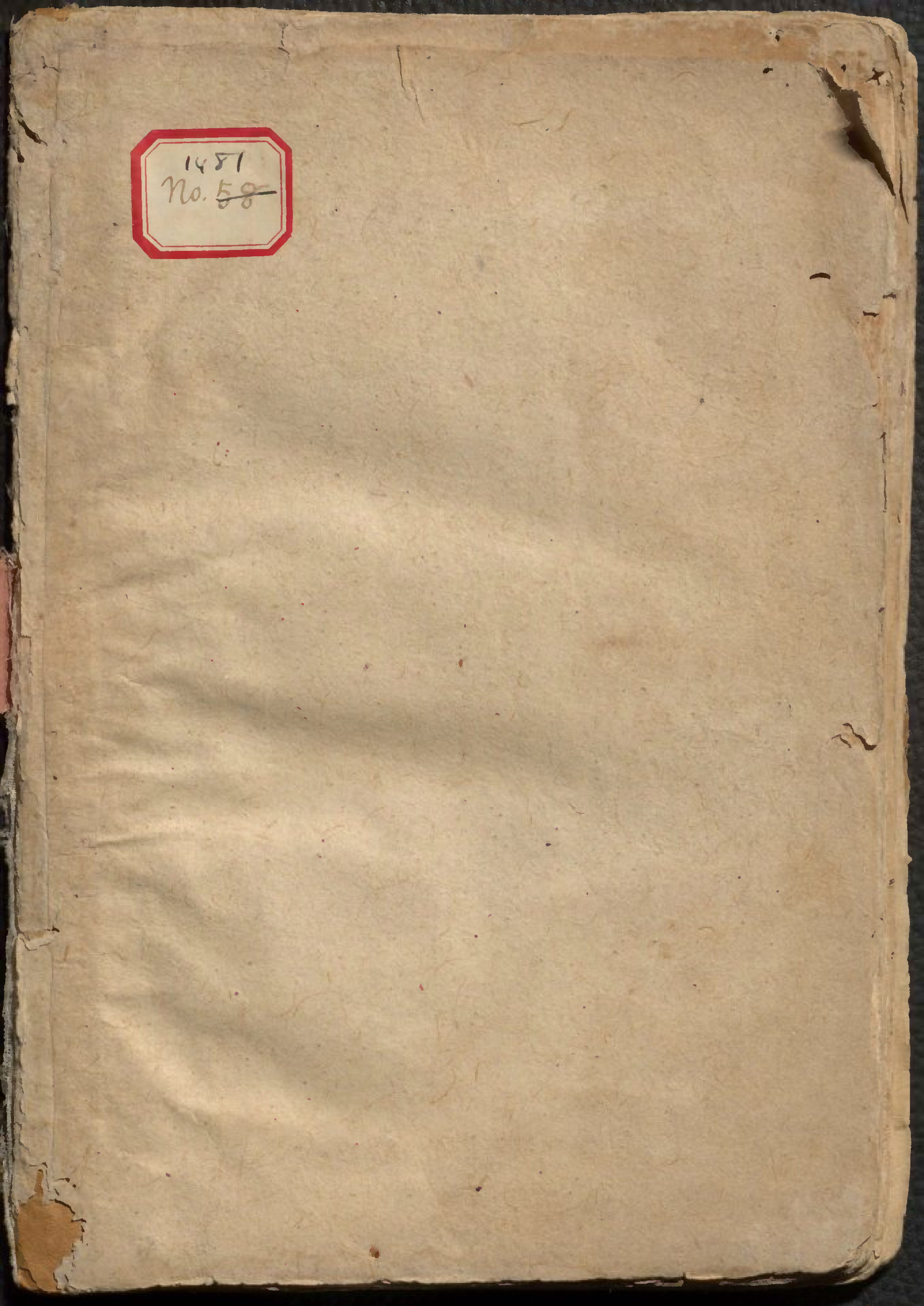
[illegible] مولانا [illegible]

خير [illegible] الجبار [illegible]

بركاته [illegible]






1481
No. 58